۱
آشنایی با کرامت
اهل بیت علیهم السلام
متن سخنرانی
استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

سخن ناشر ----- ۶

قرآن کتاب یادآوری ----- ۸

شرک ، ظلم عظیم ----- ۱۲

امیرمؤمنان علیه السلام مظلومِ دارای کرم ----- ۱۶

گریه بر حسین علیه السلام ، عطیهٔ کریم مطلق ----- ۲۰

خواسته های مثبت و منابع کرم ----- ۲۴

درباره مرکز ----- ۳۰

آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام /مولف حسین انصاریان ؛ ویرایش و تحقیق مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی.

مشخصات نشر : قم : دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۳۵ ص.؛۲۱×۱۲س م.

شابک : ۳۵۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۴-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ

موضوع : کرامت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP۱۰/۵/الف۸۲آ۵ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۴۸۵۸۷

ص: ۱

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود ، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامهٔ عمل به دستورات بلند ربانی می باشد .

در این خصوص ، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاهٔ حساس و ویژهٔ آن ها در حیات انسانی ، ضروری احساس می شود .

مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان ، در راستای اهداف الهی خود ، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانهٔ دانشمند محقّق حضرت استاد حسین انصاریان ، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی های معظّم له ، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار : را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن ، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله : و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است . امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت : بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم .

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلوه و السلام علی سی___د الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا وطبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین

المعصومین المکرمین

قرآن کتاب یادآوری

کتاب خدا می فرماید : «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (۱) این قرآن جز یک منبع یادآورِ حقایق عالم ، یادآورِ احکام الهی ، یادآورِ حلال و حرام خدا ، یادآورِ سرگذشت گذشتگان برای عبرت گیری مخاطبان و یادآورِ مسائل بعد از مرگ برای جهانیان ، نیست .

۱- تکویر:۲۷.

«إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِلْعَالَمِینَ . »(۱)تکویر:۲۷.(۲) : این کتاب ، یک منبع کامل هدایت ، یک منبع کامل موعظه ، یک منبع کامل پند ، یک منبع کامل عبرت و درس آموزی ، و یک منبع کامل قوانین زندگی است . اما برای چه کسی ؟ این قسمت خیلی مهم است : «لِمَن شَاءَ مِنکُمْ أَن یَسْتَقِیمَ» (۳) : برای کسی که بخواهد در صراط مستقیم حق قرار گیرد ، این منبع اثر بخش است : «لِمَن شَاءَ مِنکُمْ أن یَسْتَقِیمَ . » این خواستن شما ، خیلی مهم است و آن ، خواستن شما به صورت فوق العاده است ، و آن ، خواستنی است که موتور حرکت شما برای پذیرش این منبع ، و به اجرا گذاشتن برنامه های این منبع است ، امّا اگر کسی در دنیا ، به اختیار خودش ، این منبع را نخواهد ، چه سودی از این منبع عایدش می شود ؟ باید گفت ، هیچ سودی از این منبع به او نمی رسد . در آخرت هم از شفاعت این کتاب بهره ای نمی برد ؛ چون این کتاب در قیامت شفاعت کننده رده اول است : «فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ» .

این سخن پیغمبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است که منابع روایی شیعه و سنی این روایت را نقل کرده اند . (۴)

۱-

۲-

۳- تکویر:۲۸.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج۲، ص۵۹۹ _ بیهقی، سنن کبری، ج ۱۰، ص۹.

حالا اگر کسی بخواهد این خواسته مثبت را که اگر ارایه به غیر خدا ، به غیر انبیاء ، به غیر ائمه : و به غیر قرآن بشود ، یا اصلاً برآورده نمی شود ؛ چون غیر این منابع ، قدرت برآوردن این خواسته های مثبت را کسی ندارد ، یا اگر برآورده بشود ، در حدّ کاملی برآورده نخواهد شد :

دست حاجت چو بری ، پیش خداوندی بر

که کریم است و غفورست و رحیمست و دود

کرم___ش ن_امتن_اه_ی ، ن_عم_ش ب___ی پایان

هیچ خواهن___ده ازی___ن در نرود بی مقصود (۱)

ص: ۵

۱- سعدی.

آن منابعی را هم که خودش برای برآوردن خواسته ها قرار داده ، کار خودش را انجام می دهند ، مثل قرآن ، مثل انبیاء ، مثل ائمه طاهرین : . این جا آدم باید عاقلانه کار کند ؛ یعنی تمام خواسته های مثبتش را ببرد درِ خانه خدا ؛ ببرد درِ خانه انبیاء ؛ ببرد درِ خانه ائمه : ؛ ببرد در پیشگاه قرآن مجید . به اذن الله این منابع مسئولند که خواسته های مثبت بشر را برآورده کنند .

ص: ۶

شرک ، ظلم عظیم

خیلی این مسأله عظیم است . نمونه ای از قرآن را برای تان بگویم . قرآن شرک را «ظلم عظیم» می داند ؛ یعنی کسی بیاید در کنار پروردگار ، یک قدرت دیگری را قایل بشود و بگوید ، به صورت مستقل کار به دست این شریک در قدرت خدا هم هست . چیزی را عَلَم بکند ، حالا یا بت جاندار را ، یا بت بی جان را ، این کار ظلم عظیم است : «إِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظِیمٌ» (۱). این یک آیه است . «إِنَّ اللَّهَ لاَیَغْفِرُ أن یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ مَا دُونَ ذلِکَ لِمَن یَشَاءُ»(۲) : در قیامت هر گناهی را هر کس می خواهد پیش من بیاورد ، من آن را می بخشم ، ولی شرک را نمی بخشم : «إِنَّ اللَّهَ لاَیَغْفِرُ أَن یُشْرَکَ بِهِ . »(۳) این سخن را که گفتم ، در قیامت است ؛ چون در دنیا تا آدم مهلت دارد ، شرک قابل آمرزش است ؛ چنان که قبل از بعثت انبیاء ، درصد بالایی از مردم مشرک بودند . آن هایی از مشرکان که متدیّن گشتند ، آمرزیده شدند«إِنَّ اللَّهَ لاَیَغْفِرُ أَن یُشْرَکَ بِهِ وَیَغْفِرُ مَا دُونَ ذلِکَ لِمَن یَشَاءُ» (۴)

ص: ۷

۱- لقمان:۱۳.

۲- نساء: ۴۸.

۳- نساء: ۴۸.

۴- نساء: ۴۸.

، این سـخن ، موضع خداوند نسـبت به شـرك است . حالا همین خدا با این موضع گیری سـخت ، چه در برابر خود شـرك که گفته است : ظلم عظیم است ، و چه در این که گفته من شرك را نمی آمرزم . حالا شما بگو خدایا به کبریائت بر نمی خورد ، مشـرکین را هم بیامرز . نه اراده ازلیش تعلّق گرفته به این که بعـد از مردن ، هیچ مشـرکی را نبخشد . معلوم می شود ، مشـرك خیلی مورد نفرت خـدا است . حالا همین خـدا ، در سوره توبه به پیغمبر : می گویـد ، که اگر لحنش را نگاه کنیـد ، لـذّت می برید . آدم دلش می خواهد برای چنین

خدایی بمیرد ، از بس که این خدا خوب است : «وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ اسْتَجارَکَ» (۱)

ص: ۸

۱- توبه: ۶.

: و حبیب من ! اگر مشرکی که دچار ظلم عظیم و گناهی است که من او را نمی بخشم ، از تو درخواست پناهندگی کرد ، اوقاتت تلخ نشود و چهره ات در هم نرود ، «وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ» (۱) : بلافاصله درخواست پناهندگی او را قبول کن و بگذار بیاید . آغوش خودت را باز کن ، و به خانه ات راهش بده ؛ در مسجد راهش بده . الآن است که ما می گوییم ، مشرک و یهودی به داخل مسجد نیایند ، اما در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پروردگار فرموده بود ، ای پیامبر ! درِ خانه ات و مسجد من را بر روی همه باز

ص: ۹

۱- توبه: ۶.

بگذار . چون من خواسته همه را می توانم اجابت کنم و من خدایی نیستم که کسی بیاید بگوید چیزی به من عطا کن ، و من بگویم ، ندارم ، «فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلاَمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَيَعْلَمُونَ . » (۱) : بگذار بیاید و از این زبان نرم تو ، کلام خدا را بشنود و معالجه شود و برگردد .

پروردگار خواسته مثبت احدی را رد نمی کند . انبیاء هم مسئولند که رد نکنند . ائمه طاهرین هم مسئولند که رد نکنند . آنان چه سفره ای برای ما انداخته اند ، که ما خودمان هم نمی دانیم ، و نمی فهمیم ؟

ص: ۱۰

۱- توبه: ۶.

امیرمؤمنان علیه السلام مظلومِ دارای کرم

امیرمؤمنان علیه السلام پس از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خیلی زجر کشید . عبارت «خیلی» که می گویم ، یعنی واقعاً و بدون مبالغه ، «خیلی» . بگذارید از قول خودشان که به تواتر از ایشان رسیده ، بگویم . هنگامی که شنید کسی داد می زد : «اَنَا مَظْلُومٌ» : من ستمدیده ام . به او فرمود : «هَلُمَّ فَلْنَصْرِخْ مَعَاً فَاِنِّی مَا زِلْتُ مَظْلُومَاً» : بیا با هم فریاد کنیم که من همواره مظلوم بوده ام . امام با این کار ، هم ناراحتی او را تسکین داد و هم مظلومیت خویش را اعلام فرمود که من از زمان مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا هم اکنون مظلوم واقع شده ام ، و نیز در سخنی فرمود : پروردگارا قریش را رسوا ساز که مرا از حقم ممنوع ساختند و خلافتم را غصب نمودند ، و نیز از آن حضرت علیه السلام رسیده : من همیشه تحت فشار حکومت استبداد بوده ام و از آنچه حقم بود و سزاوار آن بودم ، ممنوع گشتم .

ص: ۱۱

در اواخر حکومتش ، وقتی که پیاپی برایش خبر می آوردند که لشکر معاویه بر شهرها دست یافته اند ، آن حضرت از سستی یاران خود در جنگ با دشمنان و مخالفتشان با فرمان و تدبیرش ، دلتنگ و آزرده گردید و این چنین رنج علی علیه السلام به اوج رسید . حضرت در حالی که از شدت اندوه دلتنگ شده بود و می نالید ، بر منبر مسجد کوفه رفت و در انتهای سخنان عتاب آلودش به کوفیان گفت : «فَأبْدِلْنِی بِهِمْ خَیْراً مِنْهُمْ وَ أَبْدِلْهُمْ بِی شَرّاً مِنِّی اللَّهُمَّ مُثْ قُلُوبَهُمْ کَمَا یُمَاثُ الْمِلْحُ فِی الْمَاءِ»(۱) : خدایا ! علی را از این مردم بگیر و یکی

دیگر را به این ها بده . مردم کوفه ! شما از بس که مرا اذیت کردید ، دعا می کنم که خدا دل هایتان را بساید ؛ مانند : نمکی که در آب ساییده شود .

۱- مکارم شیرازی، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، ج۲، ص۵۴۶ به نقل از شرح ابن ابی الحدید، ج۹، ص۳۰۵.

مالک اشتر در روز روشن دید که کنار درختی علی علیه السلام تک و تنها نشسته و زار زار دارد گریه می کند . گفت : علی جان ! برای چی گریه می کنی ؟ فرمود : از دست مردم ، به اندازه ریگ ها و تک تک پشم هایی که روی بدن گوسفندان است ، به من ظلم شده است . دلم را آب کردید ، خدایا ! من را بگیر . مالک ! امان از دست مردم ، زبان مردم ، قضاوت مردم ، تهمت مردم ، سستی مردم .

ص: ۱۳

با این همه ، همین مردم ، روزی آمدند و در خانه اش را زدند . او که دم درب آمد ، آن ها گفتند : باغ ها ، زراعت هایمان دارد می سوزد ، آخر تو پیش خدا آبرو داری ، دعا کن تا باران بیاید .

فکر می کنید این علی با مردم چه کار کرد ؟ آیا گفت : به به ، الان روز تلافی است . مردم نامرد ! چشمتان کور ؛ رنج ببرید . نه ، چنین نبود و او آنان را از کرم خویش مأیوس نکرد . حضرت سرش را به داخل خانه برگرداند و حسن و حسین علیه السلام را صدا کرد و از آن ها خواست دعاهای طلب باران را بخوانند . همین که آن دو از دعا کردن فارغ شدند ، به امر خداوند متعال ، آسمان شروع به باریدن کرد . (1)

۱- مدینه المعاجز، ج۳، ص۳۹۵..

گریه بر حسین علیه السلام ، عطیهٔ کریم مطلق

در روایات است که به طور کلی گریه از اثربخش ترین عبادات است که هیچ پیمانه و وزنی نمی تواند ارزش آن را بسنجد (۱).

یک گریه در قرآن است که خداوند درباره آن می فرماید : « أَعْیُنَهُمْ تَفِیضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ»(۲)عارفان به من ! از دو چشمانشان ، مانند دو چشمهٔ آب ، اشک می ریزد . این گریه ، گریه وصل به خداست . دومین گریه ای که کنار گریه برای خدا ، از

بزرگ ترین گریه هاست ، گریه برای اباعبدالله الحسین علیه السلام است . این گریه را هم خدا انتخاب کرده . چکارش می شود کرد ؟ به چه کسانی داده ؟ به شما . چیزی را از شما گرفته و این گریه را داده است ؟ نه ، آن را مجانی به شما داده ، بهشت مجانی ، آمرزش مجانی ، شفاعت مجانی . چرا مجانی ؟ چون کریم است . یکی که از او چیزی می خواهد ، نمی تواند به او عنایت نکند . نمی تواند کسی به کریم بگوید که او بخل می ورزد . بخل در حریم کریم راه ندارد . نمی شود درباره کریم مطلق چنین گفت ؛ چنانکه درباره کرم حاتم که - یک قطره از ده ها اقیانوس بی کران کرم خداوند هم نیست- ،

ص: ۱۵

۱- شیخ کلینی، کافی، ج۲، ص ۴۸۱.

۲- مائده:۸۳..

بخل راه نداشت و به همین جهت حاتم وقتی که مرد با آنکه مشرک بود در عین حال پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به او احترام می کرد . همیشه از او ذکر خیر می کرد . وقتی که در جنگ با قبیله طی ، دختر حاتم اسیر شد . هرچند پسر حاتم توانست به شام فرار کند . وقتی دختر حاتم به اسارت به مدینه آورده شد ، به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت ، یا رسول الله ! من دختر حاتم هستم . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : «اَلْمَرْءُ یُحْفَظُ فِی وَلَدِهِ»(۱) : باید احترام پدر در فرزندش حفظ شود . پس فرمود : تو آزادی . گفت من این آزادی را نمی خواهم . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : اگر مدینه بمانی ، به کنیزی می برندت . گفت : نه ، اگر می خواهی من را آزاد کنی ، بقیه را هم آزاد کن . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : بقیه هم آزادند .(۲)

۱- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص۱۷، به روایت فاطمه۳.

۲- حائری، شجره طوبی، ج۲، ص۴۰۰.

در آن زمان ها ، جوانی برای ازدواج با دختری به خواستگاری رفته بود . پدر که با رئیس قبیله ای جنگ و دشمنی داشت ، به این پسر گفت : مهریه دختر من ، سر بریده حاتم است . جوان هم گفت که من می روم و برایت این سر را می آورم . او به قبیلهٔ بنی تیم ، قبیله حاتم ، رفت . از یکی پرسید که خیمه حاتم کجاست ؟ آن فرد که خود حاتم بود ، بی آن که خود را معرفی کند ، آن جوان را به چادرش برد و به او گفت : جوان ! اهل کجا هستی ؟ جوان گفت : متعلّق به فلان قبیله ام . حاتم گفت : این جا برای چه چیزی آمدی ؟ گفت : خواهشی از حاتم دارم . حاتم گفت : خواهشت چیست ؟ جوان گفت : نمی توانم به شما بگویم و باید خودش را ببینم . سِر است . حاتم گفت :

من امینم و سخنت را برای هیچ کس نقل نمی کنم و من می توانم دردت را دوا کنم . چی می خواهی ؟ جوان گفت : خودش را باید ببینم . حاتم گفت : فرض کن خودش من هستم . این قدر این جوان محبت دید تا بالاخره به قول ما فریب محبت را خورد و راز خود را به حاتم گفت : راستش این است که من عاشق دختری شدم و خانواده اش او را به من نمی دهند مگر این که سر بریده حاتم را به عنوان مهر پیش آن ها ببرم . حاتم به او گفت : حالا تو مسافری و خسته ای ، بنشین تا من شربت و نانی بیاورم تا میل کنی ، شب که شد ، من تو را راهنماییت می کنم که بتوانی بی سر و صدا سر حاتم را بُبری و با خودت بَبری . نیمه شب ، حاتم جوان را بیدار کرد و کاردی به دست او داد و گفت : اگر مشکل تو با سر من حل می شود ، این کارد و این هم سر من . چه اشکالی می شود به حاتم گرفت ، جز این که باید گفت او کریم بود ، و مقتضای کریم بودن این است . حاتم که دید جوان در انجام خواسته خود تعلّل می کند ، به او گفت : چرا بلند نمی شوی ؟ جوان گفت : من از آن دختر ، بلکه از همه دنیا گذشتم ، حیف است که به شما تلنگری بخورد ، تو باید سالم بمانی .

ما هم در شب جمعه به در خانه کریم مطلق رفته و می خوانیم : «یَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّهِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّهِ یَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِیَّهَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَیْرِ الْوَرَی سَجِیَّهً وَ اغْفِرْ لَنَا یَا ذَا الْعُلَی فِی هَذِهِ الْعَشِیَّهَ»(۱) ، البته ، منهای دو گریه ای که گفته شد و در واقع عطیه هایی از جانب کریم مطلق انـد ، گریه در مصیبت عزیزان را هم به ما اجازه داده اند ، تا حدی که به جزع و فزع نرسد . به جزع و فزع که رسید ، دیگر خوب نیست فرد گریه کند (۲)

۱- کفعمی، المصباح، ص۶۴۷.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲، ص۹۲۱.

خواسته های مثبت و منابع کرم

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیٍ» ، این فقره از دعای کمیل به ما می گوید ، تمام انسان هایی که دارای سلسله خواسته های مثبت اند ، باید این خواسته ها را پیش کریم ببرند و آبروی شان را پیش بخیل نبرند ؛ این خواسته ها را پیش افراد محدود نبرند . اصلاً پیش کسی نبرند ؛ چرا که خداوند متعال آن همه منبع کرم برای ما قرار داده است . برای درک این منابع کرم ، چند قضیه برای تان نقل می کنم .

شب جمعه ساعات رحمت الهی است . به خدا قسم ! این مطالبی را که من می گویم ، از روی اعتقاد می گویم . به خدا قسم ! من جبری مسلک نیستم . من اعتقادم نسبت به عمل انسان ، همانی است که ائمه : فرمودند . من جبری مسلک نیستم ، اما خود خدا کارهایی را می کند که ظاهرش به شکل اختیار ماست . به خدا قسم ! این لباس سیاه را خود او به ما پوشانده است . به خدا قسم ! این اشک را خود او جاری کرده است . ما و گریه برای ابی عبدالله علیه السلام ؟ ما کی هستیم ؟ او کریم است و این از کرم اوست . چه کار می کند این کریم ؟ این قضیه را پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم برای تان نقل می کند . حضرت صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید : شب معراج ، رفیق و همسفر من ، امین وحی ، جبرئیل علیه السلام بود . از جمله جاهایی که او من را بُرد و گرداند ، بهشت بود ؛ بهشتی که در قیامت آشکارش می کنند .

در حال گشتن ، دو قصر را دیدم نماکاری یکی از این قصرها ، از رنگ سبز بود و نماکاری یکی دیگر از این ها از رنگ قرمز . به امین وحی گفتم ، این دو قصر متعلّق به چه کسی است ؟ خیلی با ارزشند . جبرئیل علیه السلام گفت : یکی از آن ها متعلّق به حسن علیه السلام تو است و یکی هم متعلّق به حسین علیه السلام توست . گفتم : چرا به این رنگ ها ؟ گفت : امّا حسن علیه السلام تو را زهر سختی می دهند و او به مرگ طبیعی نمی میرد و در هنگام مرگ رنگش به سبزی می گراید ، اما حسین علیه السلام تو ، در خون خودش می غلطد . خدا خواسته این دو نشانه را حفظ کند .(۱)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۴۴، ص۱۴۵.

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به محض این که به این شکل خبر شهادت حسن و حسین علیه السلام خود را شنید ، زار زار در معراج گریه کرد . خطاب رسید حبیب من ! گریه تو برای من سخت است ، گریه نکن ! گریه نکن ! گفت : خدایا ! این محبت به بچه ها را مگر خودت به آدم نمی دهید ؟ دلم می سوزد . درباره کریم دارم می گویم . گفت : حبیب من ! اگر دلت می خواهد نسوزد ، من پرونده شهادت حسن و حسین علیه السلام تو را ببندم و در برابرش ، تو نباید در قیامت به یک نفر از امتت کار داشته باشی . از کلّ آن ها خودم حساب می کشم و از شفاعت دیگر خبری نیست و ما با هم معامله می کنیم . جواب را ببین . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت : مگر می شود که من دارا باشم و در قیامت از دارایی ام به فقیری ندهم . گفت خدایا ! اگر نور دو چشمم ، زهرا سلام الله علیها ، هم با این دو تا بچه کشته بشود ، شفاعت مرا از امّتم نگیر !

ص: ۲۱

ما این جا باید ثابت قدم بمانیم و پیش خدا بمانیم که او هر خواسته مثبت ما را برآورده می کند . پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و پیش علی علیه السلام بمانیم . کنار درِ خانه زهرا سلام الله علیها بمانیم . پیش اباعبدالله علیه السلام بمانیم . به آن ها اجازه دادند همهٔ مشکلات ما را حل کنند ؛ خواسته های مثبت ما را برآورده کنند .

در خرابهٔ شام نشسته اند . روز است و هر کسی در گوشه ای سر به دیوار دارد و آرام آرام دارد گریه می کند . خانمی که خیلی با ادب هم بود ، یک دیگ بزرگ غذا آورد و آرام پرسید : بزرگ شما کیست ؟ زینب کبری علیه السلام آمد .

ص: ۲۲

و گفت : چکـار داریـد ؟ آن زن گفت : مقـداری غـذا آوردم . زینب کـبری سـلام الله علیهـا خیلی آرام فرمود : قـانون دین ما صـدقه گرفتن را بر ما حرام کرده . آن زن گفت : خانم ! این صـدقه نیست ؛ بلکه نذر است . من در اصل اهل شام نیسـتم . من بچه چهار ساله بودم که مریض شـدم . لمس شـدم . همان طوری مانـدم و معالجه نشدم . یک روز مادرم با عصـبانیت به پدرم گفت ، این گوشت افتاده را بردار و ببر در خانه علی ، یا بگو دمی بزنند تا او خوب بشود یا بمیرد به خانه نیاید .

خانم ! خدا امید هیچ مادری را ناامید نکند . من را برد و روی خاک کوچه خواباند و در زد . علی آمد و در را باز کرد . پدرم گفت : آقا ! مادرش خیلی ناراحت است و من نمی خواهم مزاحم شما بشوم . گفت : یا بمیرد یا خوبش کنید . پدرم که این سخن را به حضرت علیه السلام گفت ، او سرش را به داخل خانه برگرداند و صدا زد : حسین من ! بیا . خانم ! آن وقت حسین علیه السلام پنج سالش بود که آمد دم درب . علی علیه السلام به او گفت : پسرم ! خدا بنا ندارد نَفَس تو را برگرداند . نگاهی به این بچه بینداز و خوبش کن . خانم ! حسین علیه السلام نگاهی به من کرد و من الآن پنجاه سال است که دارم زندگی می کنم .

ص: ۲۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹